

اساسنامه حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان

مصوب دومین کنگره سراسری حزب کمونیست (مائونیست)
افغانستان ۱۳ میزان ۱۳۹۳ (۵ اکتوبر ۲۰۱۴)

فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۴.....	فصل اول
۴.....	برنامه عمومی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
۴.....	خصلت طبقاتی حزب
۷.....	ایدئولوژی رهنمای حزب
۱۲.....	انترناسیونالیزم پرولتری
۱۴.....	برنامه سیاسی حزب
۲۱.....	مهم ترین اهداف انقلاب دموکراتیک نوین
۲۳.....	استراتژی مبارزاتی حزب
۳۰.....	فصل دوم
۳۰.....	آئین نامه تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
۳۰.....	اصول تشکیلاتی:
۳۲.....	مجاز نبودن فراکسیونیزم:
۳۳.....	مبارزه دو خط در درون حزب:
۳۴.....	مخفی کاری:
۳۵.....	ساختمان تشکیلات:
۳۵.....	کنگره سرا سری:

۳۶.....	کمیته مرکزی:
۳۹.....	واحدهای تشکیلاتی منطقه یی:
۴۰.....	واحدهای تشکیلاتی پایه یی:
۴۱.....	هسته های حزبی:
۴۲.....	درفش:
۴۲.....	عضویت:
۴۶.....	اقدامات تشویقی و اقدامات انضباطی:

مقدمه

اساسنامهٔ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان شامل دو فصل است: فصل اول در بر گیرندهٔ برنامهٔ عمومی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و فصل دوم در بر گیرندهٔ آئین نامهٔ تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است.

فصل اول اساسنامه (برنامهٔ عمومی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان) که پایه‌های شش‌گانهٔ برنامهٔ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در بر دارد، نکات پایه‌یی برنامهٔ حزب یعنی: خصلت طبقاتی حزب؛ ایدیولوژی رهنمای حزب؛ انترناسیونالیزم پرولتری؛ برنامهٔ سیاسی حزب؛ مهم‌ترین اهداف انقلاب دموکراتیک نوین؛ و استراتژی مبارزاتی حزب، را بیان می‌نماید.

فصل دوم اساسنامه (آئین نامهٔ تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان) به معرفی و توضیح پایه‌های شش‌گانهٔ آئین تشکیلاتی حزب یعنی: اصول تشکیلاتی حزب؛ ساختمان تشکیلات حزب؛ ارگان نشراتی مرکزی، نشریهٔ درونی مرکزی، نشریه‌های درونی منطقه‌یی و سایر نشرات حزب؛ درفش حزب؛ مسایل مربوط به عضویت در حزب؛ و اقدامات انضباطی در حزب؛ در چهل و هفت (۴۷) ماده می‌پردازد.

فصل اول

برنامه عمومی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

خصلت طبقاتی حزب

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، حزب سیاسی پرولتاریا و پیشاهنگ پرولتاریا در افغانستان است. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دارای ایدئولوژی پرولتری (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) است. موجودیت حزب، حاصل کاربست ایدئولوژی پرولتری در جنبش انقلابی افغانستان است. حزب، دارای برنامه سیاسی و استراتژی مبارزاتی پرولتری و بیان کننده و نماینده منافع اساسی پرولتاریا در افغانستان است. حزب، متعهد و مصمم است که بیان فشرده خصوصیات و کیفیات پرولتاریا در افغانستان باشد. حزب، صفوف پرولتاریا و سایر زحمتکشان افغانستان را پایگاه طبقاتی اصلی خود می داند و مکلفیت دارد مداوماً برای تحکیم و گسترش خود در میان آنها بکوشد. این خصوصیات و جهتگیری ها معرف پرولتری بودن حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از لحاظ تیوریک در صف مقدم پرولتاریا و توده ها در افغانستان قرار دارد و متعهد و مصمم است که از لحاظ تشکیلاتی و فعالیت های عملی مبارزاتی نیز قاطعانه در چنین موقعیتی قرار بگیرد. حزب، در اصل باید متشکل از پیشروان داخل صفوف پرولتاریا باشد و در عین حال پیشروان انقلابی از میان سایر اقشار و طبقات خلق ها را نیز که جهان بینی شان را آگاهانه تغییر دهند و با پذیرش ایدئولوژی پرولتاریا و شرکت عملی در فعالیت های مبارزاتی پرولتری، موقعیت های طبقاتی پیشین شان را از لحاظ ایدئولوژیک و تعلقات سیاسی رها ساخته و به پرولتاریا بپیوندند، در خود جای دهد. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، جزء لایتجزای جنبش بین المللی کمونیستی است، از آن مایه گرفته و به آن خدمت می نماید.

این خصوصیات و جهتگیری ها معرف حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به مثابه پیشاهنگ پرولتاریا در افغانستان است.

خصلت پرولتری حزب چیزی نیست که یکباره و برای همیشه تثبیت گردد. پرولتریزه شدن حزب جریان مداومی است که باید در متن و بطن پیشبرد مبارزات انقلابی در جامعه پیوسته ادامه داشته باشد. در درون حزب نیز مبارزات دو خطی بر سر حفظ و تکامل خصلت پرولتری حزب از یکجانب و قلب ماهیت نمودن و از بین بردن آن از جانب دیگر، دائماً بروز می نماید. این مبارزات، انعکاس مبارزات طبقاتی جامعه در درون حزب است و بصورت اجتناب ناپذیری با فراز و نشیب تبارز می نماید. پیشبرد و به فرجام رساندن مستمر مبارزات دو خطی علیه خط های رویزیونیستی و اپورتونیستی ای که از درون حزب سر بلند می نمایند و انقلابی ساختن مداوم حزب، نقش مهمی در حفظ و تقویت خصلت پرولتری حزب و تکامل مداوم این خصلت بازی می نماید.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان میراث دار و تکامل دهنده خط مائوئیستی ای است که در اواسط دهه چهل شمسی پایه گذار جنبش کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی - مائوئیستی) افغانستان گردید. این جنبش با تاثیرپذیری و الهام از مواضع ضد رویزیونیستی و ضد سوسیال امپریالیستی حزب کمونیست چین تحت رهبری مائوتسه دون، با رویزیونیزم و سوسیال امپریالیزم شوروی خط فاصل روشنی ترسیم نمود و مبارزات نسبتاً وسیع دموکراتیک نوین کارگران و روشنفکران علیه امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم و ارتجاع را پیش برد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با جمع بندی از تجارب منفی و مثبت شرکت جنبش چپ افغانستان در جنگ مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی، پیریزی گردیده است.

یک جنبه مهم از شرکت جنبش چپ در جنگ مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی این بود که بخش های مختلف این جنبش عملاً در این جنگ دخیل شدند و این نقش شعله بی ها مشخص و روشن بود. نقطه ضعف بزرگ شرکت جنبش چپ در این جنگ، آن بود

که مستقلانه و به مثابه بخشی از استراتژی مبارزاتی جنگ خلق پیش برده نشد. در آن زمان، سازمان‌ها و افراد متعلق به جنبش چپ وسیعاً تحت پوشش احزاب ارتجاعی جهادی درآمدند و یا خود به برآمد اسلامی دست زدند.

به عبارت دیگر شرکت جنبش چپ در جنگ مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی اصولی و درست بود، اما این شرکت باید مستقلانه می بود، با تکیه بر یک خط و مشی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی صورت می گرفت و توسط یک حزب کمونیستی رهبری می گردید. تعیین تضاد عمده در این جنگ نیز درست و اصولی بود، اما مبارزه ضروری علیه دشمنان غیر عمده تا حد زیادی از نظر افتاده بود. چشم پوشی از پیشبرد این مبارزه ضروری و گرایش به مطلق سازی نقش تضاد عمده، تسلیم طلبی طبقاتی در میان منسوبین جنبش چپ را دامن زد.

این حزب با تأثیر پذیری و الهام از مواضع جنبش کمونیستی بین المللی، مشخصاً جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، در جذب روشن و اصولی تجارب انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین و در موضعگیری و مبارزه قاطع علیه رویونیسم چینی و خوجه بی شالوده گزاری گردید، شالوده گزاری ای که متضمن مرز بندی صریح و مبارزه جدی علیه کلیت انحرافات مسلط بر جنبش چپ افغانستان، در طول دهه پنجاه و نیمه اول دهه شصت شمسی و انحرافات بعدی بوده است. تکامل این حزب با حضور در صفوف جنبش کمونیستی بین المللی و سهمگیری در مبارزات جهانی پرولتری، مشخصاً مبارزات جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در زمان فعالیت آن و مبارزات برای احیای فعالیت های "جا" بعد از غیر فعال شدنش یا ایجاد یک تشکیلات جدید بین المللی م ل م ، گره خورده است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان حاصل سال ها مبارزه علیه امپریالیزم، ارتجاع، رویونیسم و اپورتونیسم است.

درفش حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان درفش وحدت دهنده تمامی مائوئیست های کشور است. آنها فقط در زیر همین درفش می توانند وظایف و مسئولیت های مبارزاتی دموکراتیک نوین و کمونیستی و بطور اخص وظایف و مسئولیت های کنونی در قبال مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی را به نحو اصولی و شایسته ادا نمایند.

ایدیولوژی رهنمای حزب

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مارکسیزم — لنینیسم — مائوئیسم را به مثابه ایدیولوژی رهنمای اندیشه و عمل خود پذیرفته و به کار می بندد.

مارکسیزم — لنینیسم — مائوئیسم، ایدیولوژی پرولتاریای بین المللی است و خصلت جهانشمول دارد و به همین جهت در شرایط مشخص هر کشور، منجمله افغانستان، قابل تطبیق است.

ایدیولوژی پرولتاریای بین المللی از زمان پیدایش خود تا حال سه مرحله تکاملی را طی نموده است:

مرحله ایجاد و انسجام اولیه یا مارکسیسم.

مرحله دوم تکامل یا مارکسیسم — لنینیسم.

مرحله سوم تکامل یا مارکسیسم — لنینیسم — مائوئیسم.

این مراحل تکامل بهم پیوسته است و هر سه جزء فلسفه، اقتصاد سیاسی و تیوری های سیاسی را در بر می گیرد.

مارکسیسم:

پیدایش طبقه کارگر پایه عینی ایجاد مارکسیزم را فراهم نمود. مارکسیزم در متن مبارزات کارگران اروپا در اواسط قرن ۱۹ به وجود آمد و در ارتباط نزدیک با مبارزات پرولتاریای بین المللی و در خدمت به آن پرورانده شد.

سه جزء مارکسیزم:

۱. فلسفه مارکسیزم: سیستم فلسفی فرا گیر ماتریالیزم دیالکتیک و ماتریالیزم تاریخی یا به کار بست ماتریالیزم دیالکتیک در مورد تاریخ جامعه بشری و تکامل آن، فلسفه مارکسیزم است.

اقتصاد سیاسی مارکسیزم

اقتصاد سیاسی مارکسیستی، نقد همه جانبه و بنیادی از اقتصاد سرمایه داری است که از راز استثمار پرولتاریا توسط بورژوازی، انباشت سرمایه، انارشی و تضاد های ذاتی سرمایه داری پرده بر می دارد.

تیوری های سیاسی مارکسیزم

تیوری کسب قدرت سیاسی از طریق انقلاب قهری و تیوری دیکتاتوری پرولتاریا، اساس تیوری سیاسی مارکسیزم را تشکیل می دهد. جمع بندی از درس های کمون پاریس و مبارزه علیه فرصت طلبان درون جنبش کارگری در تدوین این تیوری دارای اهمیت جدی بوده است.

پایه گذاری و پرورش مرحله اول ایدئولوژی پرولتری با نام مارکس گر خورده و مارکسیزم نامیده شد. مبارزه برای اینکه جنبش بین المللی کمونیستی مارکسیزم را به رسمیت بشناسد، بعد از پدرو حیات مارکس، توسط انگلس رهبری گردید.

لنینیسم

تکامل سرمایه داری به سرمایه داری انحصاری و پیدایش عصر امپریالیزم، پایه عینی پیدایش لنینیسم و تکامل مارکسیزم به مارکسیزم — لنینیسم را به وجود آورد. لنینیسم در جریان رهبری جنبش انقلابی پرولتری در روسیه و مبارزه علیه رویونیسم درون جنبش کمونیستی بین المللی و بطور مشخص در جریان رهبری انقلاب اکتوبر، به وجود آمد.

تکاملات لنینیستی:

در فلسفه

۱. تکامل فلسفه مارکسیستی در مبارزه فلسفی علیه امپریوکریتیسیست ها که تلاش داشتند ماتریالیزم و ایده آلیزم را با هم آشتی دهند.

تکامل دیالکتیک مارکسیستی با مشخص ساختن قانون تضاد به عنوان جوهر دیالکتیک.

در اقتصاد سیاسی

تدوین تیوری امپریالیزم و توضیح خصوصیات سرمایه داری امپریالیستی به عنوان سرمایه داری طفیلی، گندیده، در حال احتضار و آخرین مرحله سرمایه داری.

در تیوری های سیاسی

مشخص کردن عصر به عنوان عصر امپریالیزم و انقلابات پرولتری. تدوین تیوری حزب سیاسی طراز نوین (حزب پیشاهنگ پرولتری) یا حزب کمونیست و بنیانگذاری و ساختمان چنین حزبی برای رهبری پرولتاریا و توده های انقلابی بخاطر کسب قدرت سیاسی. تکامل تیوری و پراتیک انقلاب پرولتری در جریان رهبری انقلاب اکتوبر و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی.

اشاعه هر چه بیشتر جنبش کمونیستی در سراسر جهان.

تأمین اتحاد میان مبارزات انقلابی پرولتاریا و مبارزات خلق های ستمدیده در جهان. مبارزه علیه رویزیونیسم انترناسیونال دوم و ایجاد انترناسیونال کمونیستی (کمینترن).

مرحله دوم تکامل ایدئولوژی پرولتاریا با نام لنین گره خورد و لنینیسم نامیده شد. بعد از درگذشت لنین، مبارزه برای اینکه جنبش کمونیستی بین المللی، مارکسیسم — لنینیسم را به عنوان دومین مرحله تکامل ایدئولوژی پرولتری به رسمیت بشناسد، توسط استالین رهبری گردید.

مائوئیسم

سرنگونی انقلاب پیروزمند پرولتری و احیاء سرمایه داری در شوروی توأم با تغییرات و تحولات جدید در نظام سرمایه داری امپریالیستی، پایه عینی پیدایش مائوئیسم و تکامل مارکسیسم — لنینیسم به مارکسیسم — لنینیسم — مائوئیسم را به وجود آورد. مائوئیسم طی رهبری طولانی انقلاب چین، بخصوص انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی و رهبری مبارزه جهانی علیه رویزیونیسم مدرن، ایجاد گردید.

تکاملات مائوئیستی

در فلسفه:

مطرح کردن قانون تضاد به عنوان قانون اساسی حاکم بر طبیعت و جامعه و تفکر انسانی. طرح مفهوم تضاد عمده و تفکیک آن از تضاد اساسی. به کار گیری استادانۀ فلسفه در سیاست و مبارزات سیاسی. تکامل تیوری شناخت در پرتو بر رسی عمیق جهش از پراتیک به تیوری و سپس از تیوری به پراتیک با تکیه بر عمده بودن پراتیک. بردن فلسفه در میان توده های مردم. تحلیل دیالکتیکی رابطه میان زیر بنا و روبنا یا نفی برداشت متافیزیکی رابطه یکجانبه میان آن ها و رد تیوری رویزیونیستی رشد نیروهای مولده.

در اقتصاد سیاسی

تکامل اقتصاد سیاسی سوسیالیستی با انتقاد از ضعف های سیاست اقتصادی شوروی در ساختمان سوسیالیزم و تدوین سیاست اقتصادی ساختمان سوسیالیزم به صورت متکامل تر. تعیین دیالکتیکی رابطه میان انقلاب و توسعه اقتصادی مبنی بر تقدم انقلاب نسبت به افزایش تولید و بیان آن بطور فشرده در شعارهایی مثل « انقلاب را دریابید، تولید را افزایش دهید.» و « سرخ بودن و متخصص بودن» (تقدم انقلابی بودن نسبت به تخصص داشتن) در مبارزه علیه تیوری رویزیونیستی " رشد نیروهای مولده".

تدوین سیاست اقتصادی دموکراسی نوین و طرح مفهوم سرمایه داری بروکراتیک به مثابه شکلی از سرمایه داری کمپرادر در کشورهای تحت سلطه که توسط امپریالیزم به وجود می آید.

در تیوری های سیاسی

تدوین تیوری انقلاب دموکراتیک نوین به مثابه انقلاب تحت رهبری پرولتاریا در کشورهای تحت سلطه امپریالیزم در مرحله اول انقلاب جهت زمینه سازی برای انقلاب سوسیالیستی و گذار به آن. تکامل همه جانبه دانش نظامی پرولتری یا تدوین تیوری جنگ خلق. شناخت طبیعت و شرایط انقلابی کشورهای تحت سلطه امپریالیزم به عنوان کشوری که در آن ها بطور عموم شرایط مساعد برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق بصورت مداوم وجود دارد. تکامل عمیق درک از نقش تاریخ ساز توده ها یا تدوین مشی توده یی. ارائه درک متکامل تر از چگونگی حفظ و تکامل خصلت انقلابی پرولتری حزب پیشاهنگ از طریق پیشبرد مبارزه دو خط در درون حزب علیه اشکال گوناگون رویونیزم و اپورتونیزم. مبارزه علیه رویونیزم مدرن و بالا تر از همه: تدوین تیوری ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا در جریان انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی و مبارزه برای سرنگونی مفر فرماندهی بورژوازی یعنی مفر فرماندهی رویزیونیستی در درون حزب.

مائوئیسم، تکامل همه جانبه مارکسیسم — لنینیسم در فلسفه، اقتصاد سیاسی و تیوری های سیاسی را احتوا می نماید. در شرایط امروزی بدون مائوئیسم، مارکسیسم — لنینیسمی وجود ندارد و نفی مائوئیسم یقیناً نفی مارکسیسم — لنینیسم است.

مبارزه برای به رسمیت شناختن مارکسیسم — لنینیسم — مائوئیسم در جنبش بین المللی کمونیستی، به عنوان سومین مرحله در تکامل ایدئولوژی پرولتری، مسیر طولانی ای را طی نموده است. این مبارزه در جریان نبرد علیه رویزیونیسم مدرن خصلت جهانی یافت و در جریان انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی و به ویژه در کنگره نهم حزب کمونیست چین به فرجام رسید. اما سال ها عبارت «مارکسیسم — لنینیسم — اندیشه مائو تسه دون» در جنبش بین المللی کمونیستی به کار برده می شد. رسمیت بین المللی مائوئیسم به جای اندیشه مائو تسه دون، خدمتی است که توسط جنبش انقلابی انترناسیونالیستی صورت گرفته است.

مارکسیسم — لنینیسم — مائوئیسم رهنمای اندیشه و عمل است و در عمل مبارزاتی انقلابی به کار بسته می شود. این، به مفهوم جهش از تیوری به پراتیک، به مفهوم تلفیق تیوری با پراتیک و به مفهوم تطبیق حقایق عام مارکسیسم — لنینیسم — مائوئیسم با شرایط خاص مبارزات انقلابی پرولتری در افغانستان است.

مارکسیسم — لنینیسم — مائوئیسم، شریعت جامد نیست، بلکه یک ایدئولوژی قابل تکامل است و مسیر تکامل آن در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

انترناسیونالیسم پرولتری

انترناسیونالیسم پرولتری یک اصل اساسی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است. این حزب، سپاه رزمنده اردوی بین المللی پرولتاریا در افغانستان است و مبارزات انقلابی در افغانستان را به مثابه سهمگیری در مبارزات انقلابی بین المللی پرولتاریای جهانی به پیش می برد. حزب مبارزات انقلابی در افغانستان را در خدمت به انقلاب جهانی گسترش می دهد و پرولتاریا و خلق های افغانستان را طبق اساسات انترناسیونالیسم پرولتری پرورش

می نماید، تا جامعه مستقل، آزاد و انقلابی آینده بتواند به عنوان پایگاه مطمئنی در خدمت به انقلاب جهانی قرار داشته باشد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، از لحاظ بین المللی در عرصه مبارزاتی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی زاده شد و تکامل کرد. حزب، شمولیت در مبارزات جنبش بین المللی کمونیستی را وظیفه و مسئولیت تخطی ناپذیر خود محسوب می نماید، در اتحاد با احزاب و سازمان های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست سایر کشورهای جهان، در مبارزات ایدیولوژیک - سیاسی روی مسایل عام و خاص در سطح بین المللی، مشخصا مبارزات علیه رویزونیسم پسا م ل م اواکیانی و رویزونیسم پاراچندا- باترای به مثابه عوامل ایدیولوژیک اصلی غیر فعال شدن "جا"، فعالانه سهم میگیرد، در راه تدوین مشی عمومی سیاسی جنبش بین المللی کمونیستی با جدیت مبارزه می کند و از طریق مبارزه برای احیای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی یا ایجاد تشکیلات جدید بین المللی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و پیشبرد فعالانه مبارزات آن، برای تشکیل انترناسیونال نوین کمونیستی تلاش پیگیر به عمل می آورد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با احزاب و سازمان های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست سایر کشورها روابط نزدیک دوجانبه نیز برقرار می نماید و تلاش به عمل می آورد که سطح این روابط مطابق به معیارهای اصولی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی بطور روز افزون ارتقا گسترش یابد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از مقاومت ها و مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلق های جهان حمایت و پشتیبانی می نماید. حزب سعی می کند که با نیروهای مبارز غیر مارکسیست - لنینیست - مائوئیست سایر کشورها که علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه می نمایند، روابط متقابلاً نزدیک اصولی و مفید ایجاد نماید.

در کشور چند ملیتی افغانستان که شوونیزم طبقات حاکمه ملیت پشتون بر آن حاکم است و بر ملیت های غیر پشتون ستم ملی اعمال می گردد، مبارزه علیه این ستم و به رسمیت شناختن حق ملیت ها در تعیین سرنوشت شان به شمول حق جدایی، یکی از اصول مهم انترناسیونالیستی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان محسوب میگردد. در شرایط کنونی مستعمراتی کشور این مبارزه باید در تابعیت از مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده پیش برده شود. در شرایط فعلی، مبارزه علیه طرحات و شعارهای خائنین ملی مربوط به ملیت های تحت ستم که سعی دارند احساسات ملیتی ملیت های تحت ستم کشور را در خدمت اشغالگران امپریالیست قرار دهند، بخشی از این مبارزه محسوب می گردد.

برنامه سیاسی حزب

برنامه سیاسی حد اقل و حد اکثر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، انجام انقلاب دموکراتیک نوین، گذار سریع به انقلاب سوسیالیستی، ساختمان سوسیالیزم، ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا از طریق انقلابات متعدد فرهنگی و پیشروی به سوی جامعه جهانی بی طبقه کمونیستی در متن انقلاب جهانی پرولتری است.

افغانستان در طی تقریباً یک قرن گذشته یک کشور تحت سلطه امپریالیزم و نیمه فیودالی بوده است. در طی این مدت سلطه امپریالیستی برین کشور گاهی حالت مستعمراتی داشته و گاهی حالت نیمه مستعمراتی. تضاد میان توده های خلق ها — به مثابه بخش تعیین کننده نیروهای مولده — و مناسبات مستعمراتی — نیمه فیودالی یا نیمه فیودالی — نیمه مستعمراتی، تضاد اساسی جامعه افغانستان را تشکیل می دهد. در حالت مستعمراتی، مبارزه علیه قدرت یا قدرت های امپریالیستی مهاجم و اشغالگر و خائنین ملی دست نشانده شان و در حالت نیمه مستعمراتی مبارزه علیه ارتجاع داخلی حاکم وظیفه عمده انقلاب محسوب می گردد.

در شرایط کنونی، که علیرغم جابجایی های نسبی در موقعیت های تاکتیکی جنگی نیروهای پوشالی داخلی و امپریالیستی اشغالگر، سپرده شدن مسئولیت های جنگی روزمره به قوای پوشالی رژیم دست نشانده و تغییرات ظاهری حقوقی در وضعیت نیروهای اشغالگر، کشور همچنان تحت اشغال پنجه های خونریز قوت های مهاجم و متجاوز امریکایی و متحدین شان قرار دارد، مقاومت علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده، وظیفه عمده فعلی انقلاب به حساب می آید.

امپریالیسم و طبقات فیودال و بورژواکمپرادور در پیوند با هم مدافعین اصلی مناسبات مستعمراتی - نیمه فیودالی یا نیمه فیودالی - نیمه مستعمراتی هستند. قطع سلطه امپریالیستی و سرنگونی این طبقات ارتجاعی، وظایف اصلی انقلاب محسوب می گردند. کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی، نیروهای محرکه بزرگ انقلاب هستند. طبقه کارگر نیروی رهبری کننده انقلاب و دهقانان نیروی عمده انقلاب را تشکیل می دهند. دهقانان فقیر و میانه حال، متحد استوار طبقه کارگر در انقلاب هستند و قشر پایینی و میانه حال خرده بورژوازی متحد نزدیک آن. دهقانان مرفه و قشر بالایی خرده بورژوازی متحدین متزلزل طبقه کارگر در انقلاب محسوب می گردند. بورژوازی متوسط یا بورژوازی ملی نیروی ضعیف، متزلزل و نوسانی است، با آنها هم بر مبنای تضادهایی که با امپریالیست ها، فیودال ها و بورژوا کمپرادورها دارد، رویهمرفته در صف انقلاب قرار میگیرد.

تضاد میان شوونیسم طبقات حاکمه ملیت پشتون و ملیت های تحت ستم و تضاد میان شوونیسم مرد سالار و زنان، دو تضاد اجتماعی مهم در افغانستان هستند. این تضاد ها که از جهات معینی مرزبندی های طبقاتی را عبور میکنند و صبغندی های ویژه اجتماعی را تشکیل میدهند، در پیوند با تضاد های طبقاتی و ستم امپریالیستی قرار دارند و در عین حال از قانونمندی ها و محرکات خاص خود نیز برخوردار اند.

مبارزه ملیت های تحت ستم برای کسب رهایی ملی از شوونیسم ملیت حاکم و مبارزه زنان برای نجات از شوونیسم مرد سالار و حصول آزادی و برابری، نیروهای محرکه مهم انقلاب محسوب می گردند. رهایی ملی ملیت های تحت ستم از شوونیسم ملیت حاکم و نجات زنان از شوونیسم مرد سالار و حصول آزادی و برابری برای زنان فقط و فقط در پرتو انقلاب پرولتری ممکن و میسر می گردد.

معضله آوارگان که از زمان کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و اشغال افغانستان توسط قوت های مهاجم سوسیال امپریالیستی آغاز گردید، نه تنها کماکان لاینحل باقی مانده، بلکه در اشکال جدید ادامه نیز یافته است. تجارب بیشتر از ۲۰ سال گذشته نشان داده است که اشغالگران امپریالیست امریکایی و متحدین شان و رژیم دست نشانده شان و همچنان سایر مرتجعین نمی توانند این معضله را بطور بنیادی حل و فصل نمایند. انقلاب دموکراتیک نوین می تواند- و باید- از طریق اجرای موفقانه انقلاب ارضی در سرتاسر کشور راه حل اساسی و بنیادی برای این معضله پیدا نماید.

آلودگی محیط زیست در جهان تحت سلطه نظام سرمایه داری امپریالیستی و در نتیجه تولید بر مبنای منافع خصوصی، به یک معضله جهانی مبدل شده است. اما در افغانستان، این معضله در نتیجه جنگ های تجاوزکارانه و اشغالگرانه سوسیال امپریالیستی و امپریالیستی، از طریق تخریب وسیع جنگلات، روستاها و ساحات سبز، استعمال وسیع مواد کیمیاوی زهری، یورانیم خام و... به وجود آمده است بر علاوه رشد بی رویه و بی برنامه شهرها، محیط زیست در شهرهای کشور را شدیداً آلوده کرده است. درینمورد نیز تجربه نشان داده است که اشغالگران امپریالیست و دست نشانده گان شان، نه تنها قادر به حل بنیادی معضله آلودگی محیط زیست در کشور نیستند، بلکه تحت حاکمیت آنها، معضله مذکور روز بروز دامنه بیشتری می یابد. اخراج قوای اشغالگر امپریالیستی از کشور و سرنوشتی رژیم دست نشانده، منبع اصلی این آلودگی محیط زیست را از میان می برد و به حاکمیت انقلابی آینده امکان می دهد که با تکیه بر بسیج وسیع توده های انقلابی

مردمی، پاکی محیط زیست در کشور را تامین نماید. بر علاوه فقط یک حاکمیت انقلابی مردمی قادر است مبارزه بین المللی برای پاکی محیط زیست در جهان را پیش ببرد.

ضرورت به سر انجام رساندن وظایف ملی و دموکراتیک انقلاب در افغانستان مستعمره — نیمه فیودال یا نیمه فیودال — نیمه مستعمره، مرحله انقلاب دموکراتیک نوین را قبل از برپایی و پیشبرد انقلاب سوسیالیستی به وجود می آورد و انقلاب را دو مرحله یی می سازد. این دو مرحله یعنی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی، اجزای بهم پیوسته یک انقلاب واحد است و توسط طبقه کارگر و ایدیولوژی کمونیستی (م ل م) از طریق حزب کمونیست (مائوئیست) رهبری می گردد.

برنامه انقلاب دموکراتیک نوین، برنامه حد اقل انقلاب پرولتری است. این انقلاب سلطه امپریالیزم بر کشور را قطع میکند و مناسبات نیمه فیودالی را بر محور پیشبرد انقلاب ارضی و تطبیق شعار محوری "زمین از آن کشتکار" ریشه کن می سازد و بورژوازی کمپرادور را سلب مالکیت می نماید.

انقلاب دموکراتیک نوین، استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور از سلطه امپریالیزم و حقوق دموکراتیک پایه یی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کارگران، دهقانان و توده های وسیع خلق ها را تأمین می نماید.

این انقلاب، شوونیزم ملیت حاکم را سرنگون می سازد، حق ملل در تعیین سرنوشت شان به شمول حق جدایی را به رسمیت می شناسد و در مسیر تأمین همه جانبه تساوی میان ملیت های مختلف کشور می رزد و بدین طریق زمینه وحدت حقیقی و داوطلبانه میان ملیت های مختلف را تأمین می نماید.

این انقلاب شوونیزم مرد سالار فیودالی و مرتبط با سلطه امپریالیستی را بر می اندازد و در راه تأمین برابری میان زنان و مردان در همه عرصه ها و تمامی سطوح گام بر می دارد.

از آنجاییکه در شرایط فعلی، کشور تحت پنجه های خونریز اشغالگران امپریالیست و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده قرار دارد، وظیفه و مسئولیت اول و عمده انقلاب، تدارک و برپائی جنگ مقاومت علیه اشغالگران و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده است.

سایر وظایف بزرگ و مهم انقلاب با وجودی که به موجودیت، بزرگی و اهمیت شان ادامه می دهند، اما در شرایط فعلی همگی تابع مقاومت علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده می باشند.

این مبارزه که عبارت است از مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان، شکل مشخص کنونی استراتژی مبارزاتی برای انجام انقلاب دموکراتیک نوین در کشور محسوب می گردد. طرد و اخراج قوای اشغالگر امپریالیستی از کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده، هدف عمده فعلی انقلاب دموکراتیک نوین را تشکیل می دهد.

انقلاب دموکراتیک نوین در فرجام، دیکتاتوری دموکراتیک خلق را به مثابه شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا جایگزین سلطه امپریالیزم بر کشور و دیکتاتوری طبقات ارتجاعی سرنگون شده می سازد. دیکتاتوری دموکراتیک خلق، دیکتاتوری مشترک اقشار و طبقات انقلابی تحت رهبری طبقه کارگر است که محور آنرا اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می دهد.

انقلاب دموکراتیک نوین دارای خصلت متضاد و گذرا است این انقلاب گرچه عمدتاً یک انقلاب بورژوا – دموکراتیک است، اما دارای جنبه های مهم سوسیالیستی نیز می باشد. این انقلاب تحت رهبری پرولتاریا قرار دارد، بورژوازی بزرگ را سرنگون می سازد، سرمایه داری بین المللی امپریالیستی را ضربه می زند، بخشی از انقلاب جهانی پرولتری محسوب می گردد و از همان آغاز دارای استقامت سوسیالیستی است. مجموعه این عوامل زمینه های پیشروی این انقلاب را به سوی انقلاب سوسیالیستی فراهم می نماید.

پیروزی سرتاسری انقلاب دموکراتیک نوین، پس از طی دوره طولانی، پر فراز و نشیب و مملو از پیچ و خم جنگ خلق، منجمله در شکل کنونی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی، سر آغاز انقلاب سوسیالیستی محسوب می گردد. دولت انقلابی تحت رهبری پرولتاریا اهرم های اصلی سیاست، اقتصاد و فرهنگ را به دست می گیرد و شکلهی سیاست، اقتصاد و فرهنگ سوسیالیستی به صورت سرتاسری آغاز می گردد.

دولت دموکراتیک خلق شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا است. تأمین حاکمیت سرتاسری این دولت به معنی شکلی از تأمین حاکمیت سرتاسری پرولتاریا و سر آغاز انقلاب سوسیالیستی از لحاظ سیاسی است. تحکیم و توسعه روز افزون دیکتاتوری پرولتاریا، به مفهوم پیشروی انقلاب سوسیالیستی از لحاظ سیاسی است.

بخش دولتی اقتصاد که بعد از پیروزی سرتاسری انقلاب قویاً توسعه می یابد و نقش رهبری کننده بر کل اقتصاد کشور بازی می کند، تحت رهبری دولت انقلابی به بخش سوسیالیستی اقتصاد مبدل می گردد. جنبش های وسیع توده یی بر انگیزخته شده و سازماندهی و رهبری می گردند تا زحمتکشان، عمدتاً دهقانان، داوطلبانه سازمان های کلکتیو اقتصادی شان را که بخش دیگری از اقتصاد سوسیالیستی محسوب می گردد، ایجاد نمایند. تحکیم و توسعه هر دو بخش سوسیالیستی اقتصاد، در مسیر نابودی کل مالکیت بورژوازی و اقتصاد خصوصی دهقانی پیش می رود.

در اقتصاد سوسیالیستی سود از مقام فرماندهی می افتد، نیروی کار و وسایل تولید بزرگ حیثیت کالایی خود را از دست می دهند و عملکرد قانون ارزش و حق بورژوازی به صورت روز افزون مورد کنترل و تحدید قرار می گیرد.

فرهنگ سوسیالیستی که از لحاظ ایدئولوژیک انقلاب سوسیالیستی را تدارک می بیند، در پیوند با اقتصاد و سیاست سوسیالیستی بیشتر از پیش رشد می نماید.

انقلاب سوسیالیستی دوره گذار از سرمایه داری به کمونیزم است. حل نهایی مسایلی از قبیل قانون ارزش، حق بورژوازی، تضاد میان کار فکری و کار جسمی، کارگر و دهقان،

شهر و ده، زن و مرد و همچنان فرهنگ و باورها و عادات به ارث مانده از گذشته و مجموع مسایل مربوط به انقلاب جهانی، دارای خصلت طولانی مدت است. از این جهت دوره گذار سوسیالیستی، یک دوره تاریخی بس طولانی است.

در سراسر این دوره تاریخی طولانی، طبقات و تضادهای طبقاتی وجود دارند، مبارزه بین راه سوسیالیستی و راه سرمایه داری جریان می یابد، خطر احیای سرمایه داری موجود است و خطر تخریب، تجاوز و براندازی از جانب قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی، انقلاب را تهدید می نماید. این تضاد ها را تنها با اتکاء بر تیوری و پراتیک مبتنی بر « تیوری ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا » یعنی از طریق بر پایی و پیشبرد انقلابات متعدد فرهنگی بر اساس مبارزه علیه « چهار کلیت» و نابودی ریشه یی آنها یعنی: امحای کلیه تمایزات طبقاتی، امحای کلیه مناسبات تولیدی که پایه این تمایزات را تشکیل می دهند، از میان برداشتن کلیه مناسبات اجتماعی مرتبط با این مناسبات تولیدی و انقلابی کردن افکار و اندیشه های مبتنی بر این مناسبات اجتماعی، می توان بصورت نهائی حل و فصل کرد.

هدف نهایی و دور نمای غایی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، محو چهار کلیت فوق الذکر و تحقق کمونیزم است. این هدف تنها از طریق اتحاد انترناسیونالیستی پرولتاریای تمامی کشورهای جهان و پیروزی جهانی انقلاب پرولتری، به کف خواهد آمد. کمونیزم فقط با سرنگونی و نابودی قطعی بورژوازی و کلیه طبقات استثمارگر دیگر و از میان رفتن نهایی تمامی تمایزات و استثمارگری های طبقاتی و سایر اشکال ستم و در نتیجه از میان رفتن تمامی دولت ها و احزاب در سطح جهان، می تواند متحقق گردد. « یا همه به کمونیزم خواهیم رسید یا هیچ کس.»

مهم ترین اهداف انقلاب دموکراتیک نوین

یک: طرد و اخراج نیروهای متجاوز و اشغالگر امپریالیستی از کشور و سرنگونی رژیم دست‌نشانده.

دو: سرنگونی حاکمیت ارتجاعی طبقات فیودال و بورژوا کمپرادور.

سه: برقراری حاکمیت سیاسی توده‌ها تحت رهبری پرولتاریا، یعنی برقراری دیکتاتوری دموکراتیک خلق، مبتنی بر سیستم شوراهای نمایندگان توده‌های وسیع خلق‌ها، بمثابة شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا.

چهار: تأمین حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی افراد، مثل حق آزادی عقیده و بیان، مطبوعات، اجتماعات، مسافرت، کار، انتخاب شغل، تحصیل، تشکیل احزاب سیاسی، تشکیل اتحادیه‌های صنفی، مسئولیت مسکن و مکاتبه و مخابره و بر مبنای مبارزات قاطع و سازش ناپذیر علیه امپریالیزم، نیمه فیودالیزم و بورژوازی کمپرادور و همچنان علیه شوونیسم جنسی و شوونیسم ملی؛ در

شرایط کنونی عمدتاً علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده آنان.

پنج: سرنگونی شوونیسم طبقات حاکمه ملیت‌پشتون، الغای وحدت اجباری و تحمیلی فعلی ملیت‌های مختلف کشور و تأمین وحدت انقلابی و داوطلبانه میان آنها بر اساس قبول حق تعیین سرنوشت برای تمامی ملیت‌ها به شمول حق جدایی و مبارزات پیگیر و متحدانه علیه امپریالیزم و ارتجاع؛ در شرایط کنونی عمدتاً علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست‌نشانده شان.

شش: سرنگونی شوونیسم جنسی مردسالار فیودالی در جهت تأمین تساوی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان زنان و مردان.

هفت: جدایی دین از دولت، لغو دین رسمی، تأمین آزادی اعتقاد به ادیان و مذاهب گوناگون و تأمین آزادی عدم اعتقاد به دین و مذهب.

هشت: مبدل ساختن افغانستان از یک پایگاه امپریالیزم و ارتجاع به پایگاهی برای انقلاب جهانی و درین راستا اتخاذ سیاست خارجی مستقلانه انقلابی مبتنی بر انترناسیونالیزم پرولتری.

نه: پیشبرد انقلاب ارضی بر مبنای شعار "زمین از آن کشتکار" به منظور ریشه کن کردن مناسبات فرتوت نیمه فیودالی و ایجاد اقتصاد دهقانی آزاد.

ده: مصادره تمام سرمایه های امپریالیستی و سرمایه های کمپرادور کشور به منظور ایجاد سکتور عامه راستین (سکتور دولتی دموکراتیک نوین).

یازده: تنظیم تجارت خارجی و ملی ساختن کامل آن و تنظیم تجارت داخلی و نظارت بر آن، در جهت پیشرفت و ترقی سالم اقتصاد کشور بر مبنای سیاست های اقتصادی دموکراتیک نوین.

دوازده: تطبیق اصل مالیه مترقی و مستقیم به صورت یکسان و منسجم.

سیزده: ایجاد اقتصاد برنامه ریزی شده برای تأمین رشد و شگوفایی انقلابی اقتصاد ملی و رهایی از وابستگی به امپریالیزم.

چهارده: ایجاد شوراهای دهقانی بخاطر سهمگیری دهقانان در قدرت سیاسی انقلابی، تطبیق برنامه انقلاب ارضی، تشکیل تعاونی ها و کوپراتیف های دهقانی دارای استقامت استراتژیک ارتقا به سطح کمون های زراعتی و مزارع دولتی و رهبری مداوم آنها.

پانزده: ایجاد شوراهای کارگری بخاطر سهمگیری کارگران در قدرت سیاسی انقلابی، اداره کارخانجات و معادن بزرگ و نظارت بر فعالیت های سرمایه داران متوسط

و کوچک و همچنان تدوین قانون کار جدید، تعیین حد اقل هشت ساعت کار روزانه و تعیین حداقل مزد ماهانه مناسب برای کارگران، به مشوره این شوراها.

شانزده: زدودن بینش های خرافی و فقر علمی و آراسته شدن توده های مردم به زیور علم و دانش.

هفده: از میان بردن امراض مهلك بیسودی و فقر فرهنگی.

هجده: زدودن نا آگاهی و جهل سیاسی و رشد و تقویت آگاهی سیاسی انقلابی توده های مردم.

نوزده: ایجاد و پرورش فرهنگ ملی، توده یی، علمی و انقلابی دموکراتیک نوین.

بیست: مساعد ساختن زمینه برای عودت آبرومندانۀ آوارگان به کشور.

بیست و یک: احیاء و حفظ پاکیزگی محیط زیست کشور و پیشبرد مبارزه بین المللی برای احیاء و حفظ پاکیزگی محیط زیست جهان.

استراتژی مبارزاتی حزب

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. در شرایط کنونی که کشور تحت اشغال نیروهای امپریالیستی قرار دارد و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده بر آن تحمیل گردیده است، جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی، شکل مشخص کنونی جنگ خلق در کشور است.

در چنین شرایطی، بسیج سرتاسری تمامی نیروها و توده ها علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان و تمرکز روی چنین مقاومتی، به مثابه وظیفه مبارزاتی عمده مرحله فعلی، امر ضروری و لازمی ای است که بی توجهی نسبت به آن فقط می تواند به نفع دشمن عمده تمام شود. اینچنین بسیج و تمرکزی، در قدم اول مستلزم تأمین صلح داخلی

میان تمامی نیروهای جنگی مقاومت کننده و سپس مستلزم تأمین دموکراسی میان تمامی نیروها و توده های مقامت کننده است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مبارزه برای تأمین اینچنین صلح داخلی و دموکراسی را یک وظیفه و مسئولیت مهم مبارزاتی خود می داند و با تمام قدرت و توان در این مسیر حرکت می نماید. این وظیفه و مسئولیت مهم مبارزاتی، در برگیرنده دفاع فعال در مقابل تعرضات و تهاجمات سرسختان ضدکمونیست درون مقاومت عمومی علیه حزب و نیروهای تحت رهبری اش نیز می باشد.

جنگ خلق در کل، جنگ توده های مردم تحت رهبری پیش آهنگ انقلابی پرولتاری بخاطر سرنگونی سلطه امپریالیزم و ارتجاع بر کشور و مردمان کشور و حصول استقلال و آزادی ملی و تأمین حقوق دموکراتیک توده های مردم است. استقامت استراتژیک جنگ خلق پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور است. نیروی عمده جنگ خلق را در هر حالتی دهقانان تشکیل می دهند و طبقه کارگر از طریق حزب پیشاهنگ خود این جنگ را رهبری می نماید.

محور اصلی سوق الجیشی حرکت جنگ خلق در افغانستان را جنگ در مناطق روستایی و محاصره شهرها از طریق دهات تشکیل می دهد؛ ولی در عین حال پیشبرد جنگ چریکی شهری و قیام های قسمی در شهر ها و درون قطعات نظامی دشمن نیز جزء ضروری ای از این جنگ است که می تواند به نیروهای دشمن ضربه وارد نماید، تعداد زیادی از آنها را در شهرها میخکوب نماید، توده های شهرها و حومه های شهرها را در جنگ فعال نگه دارد، زمینه را برای تصرف شهرها از درون مساعد سازد و به این صورت به نحو مؤثری جنگ در مناطق روستایی را مدد رساند.

جنگ خلق یک جنگ طولانی و دراز مدت است و از زمان برپایی تا موفقیت سرتاسری سالیان متمادی دوام می نماید. در جریان این پروسه طولانی جنگ است که نیروهای ضعیف و ناتوان انقلابی پیوسته رشد می نمایند و به نیروهای قوی و گسترده تبدیل می

شوند. این جنگ طولانی از سه مرحله دفاع استراتژیک، تعادل استراتژیک و تعرض متقابل استراتژیک عبور می نماید.

در مرحله اول جنگ که نیروهای جنگ خلق ضعیف اند، مجبور اند که مرحله دفاع استراتژیک را از سر بگذرانند. این مرحله سخت ترین مرحله جنگ خلق است و قویاً احتمال دارد که طولانی ترین مرحله آن نیز باشد.

در مرحله دوم جنگ که نیروهای جنگ خلق بصورت نسبی رشد کرده و نیروهای دشمن ضربات سختی را متحمل گردیده است، نوعی تعادل میان قوت های هر دو طرف جنگ به وجود می آید که معمولاً زیاد طولانی نخواهد بود و هر دو طرف جنگ سعی خواهند کرد که هرچه زود تر این حالت را به نفع خود بهم بزنند.

در مرحله سوم جنگ نیروهای جنگ خلق در حالت تعرض متقابل استراتژیک قرار می گیرند و نیروهای دشمن در حالت دفاع استراتژیک و عقب نشینی. این مرحله ممکن است مرحله چندان طولانی نباشد و یا کم و بیش به طول بکشد.

جنگ خلق متکی بر مناطق پایگاهی انقلابی روستایی است. این مناطق پایگاهی انقلابی حیثیت عقبگاه های استراتژیک جنگ را دارا می باشند و از اهمیت اساسی و تعیین کننده ای برخوردار اند. با تکیه برین عقبگاه های استراتژیک است که جنگ خلق می تواند در مناطق مورد منازعه (مناطق پارتیزانی) و مناطق تحت کنترل مؤثر دشمن به راه افتاده و گسترش یابد. این مناطق پایگاهی انقلابی می توانند حالت مخفی، نیمه علنی و یا علنی داشته باشند، ولی مبارزه برای ایجاد و استحکام آنها ضرورت اجتناب ناپذیر دارد، زیرا که بدون آنها جنگ از لحاظ کسب پیروزی سرتاسری و کسب قدرت سیاسی فاقد دورنمای سیاسی روشن می گردد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، توده های تحت رهبری اش و نیروهای سیاسی متحد نزدیکش، در مناطق پایگاهی انقلابی نمونه هایی از آن مناسبات اجتماعی و قدرت سیاسی را که میخواهند جانشین سلطه و حاکمیت امپریالیزم و ارتجاع

بسازند، به وجود می آورند. این امر به یقین آگاهی ملی مردمی و انقلابی توده ها را ارتقاء و گسترش می دهد و شرایط مساعد برای افزایش دامنه جنگ خلق فراهم می سازد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیشبرد موفقیت آمیز جنگ خلق، توده های وسیع خلق های ملیت های مختلف کشور، اعم از زنان و مردان را در مسیر جنگ بسیج و متحد می نماید و با تربیت و سازماندهی بهترین جنگندگان از میان آنان، ارتش خلق را به وجود می آورد. ارتش خلق دومین سلاح مورد نیاز انقلاب بعد از حزب کمونیست (مائوئیست) است و مهم ترین تشکیلات توده یی محسوب می گردد. تشکیل ارتش خلق و تقویت روز افزون آن خود یک پروسه طولانی است. ضرورت گسترش توده یی هرچه بیشتر جنگ خلق ایجاب می نماید که در پهلوی ارتش خلق، دسته های چریک توده یی و گروه های مسلح دفاع از خود توده یی نیز سازماندهی گردیده و دوش به دوش رزمندگان ارتش خلق در جنگ سهم بگیرند.

جنگ خلق جنگی است نقشه مندانه و آگاهانه که برای برپایی و پیشبرد آن باید فعالیت های مبارزاتی تدارکی لازم و معینی را سازماندهی کرده و به پیش برد.

اولین وظیفه تدارکی برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق، تدارک ایدیولوژیک — سیاسی و تشکیلاتی خود حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای آماده شدن در برپایی و پیشبرد این جنگ است.

دومین وظیفه تدارکی برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق، تدارک توده یی است یعنی پیشبرد کار توده یی و سازماندهی توده ها در آن حدی که بتوان با تکیه بر آنها جنگ را آغاز کرده و به پیش برد.

وظیفه مهم دیگر در تدارک برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق، شناسایی مناطق مساعد و متمرکز ساختن فعالیت های حزبی و توده یی در آن مناطق است.

یکی از فعالیت های تدارکی ضروری دیگر برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق، تدارک لجیستیکی یعنی فراهم آوری حداقل وسایل و تجهیزات و امکانات نظامی و غیر نظامی ضروری برای شروع جنگ است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیشبرد جنگ خلق و پیشبرد مبارزات انقلابی در مجموع، جبهه متحد تحت رهبری خود را به مثابه سومین سلاح مورد نیاز انقلاب دموکراتیک نوین ایجاد می نماید. پایه اصلی جبهه متحد، بصورت استراتژیک، اتحاد کارگران و دهقانان است که از طریق بسیج و سازماندهی توده های دهقانی توسط حزب کمونیست (مائوئیست) در مناطق پایگاهی انقلابی روستایی به وجود می آید.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با در نظر داشت ضرورت های مبارزاتی، در شرایط قبل از برپایی جنگ خلق نیز می تواند به ائتلاف های طبقاتی و سیاسی گوناگون مبادرت ورزد، اما در هر حالتی با پیگیری و استواری برای حفظ استقلال ایدیولوژیک – سیاسی تشکیلاتی و نظامی خود و تقویت مواضع انقلابی و تأمین منافع پرولتاریا، مبارزه می نماید. فقط به این صورت، مبادرت به ائتلاف های طبقاتی و سیاسی گوناگون می تواند در خدمت استراتژی مبارزاتی حزب قرار بگیرد.

مشى توده یی یکی از جوانب مهم استراتژی مبارزاتی حزب است. توده ها سازندگان تاریخ اند. پیروزی جنگ خلق و پیروزی انقلاب در کل، بدون بسیج، سازماندهی و رهبری آنان ممکن نیست. این مسئولیتی است که بر عهده حزب انقلابی پرولتاریا قرار دارد. انجام این مسئولیت بدون پیوند با توده ها و اجرای وظایف توده یی مبارزاتی، ممکن و میسر نمی گردد.

بردن آگاهی انقلابی در میان توده ها یکی از وظایف توده یی مهم حزب است زیرا که آگاهی انقلابی پرولتری خود بخود در میان توده ها به وجود نمی آید. اجرای این وظیفه شکل مهمی از پیوند حزب با توده ها است.

آموختن از توده ها وظیفه توده یی مهم دیگر حزب است. این آموزش با تکیه بر علم انقلاب پرولتری صورت می گیرد. حزب نظرات پراگنده توده ها را گرد می آورد، با استفاده از علم انقلاب پرولتری آنها را تجزیه و تحلیل کرده و فشرده می سازد و به میان توده ها می برد تا توده ها این ایده های فشرده شده از لحاظ علمی را از خود دانسته و خوب جذب نمایند.

پذیرش نظارت توده ها بر حزب، یکی از موارد مهم آموختن حزب از توده ها محسوب می گردد. حزب مکلف است به نظرات توده ها در مورد خود به دقت گوش داده و این گفته ها را مطابق معیارهای مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی تجزیه و تحلیل نماید و نتیجه گیری های علمی آنها را به کار ببندد.

اجرای این وظیفه، شکل مهم دیگری از پیوند حزب با توده ها است.

بسیج و سازماندهی توده ها و رهبری مبارزات آنها، وظیفه توده یی مهم دیگر حزب محسوب می گردد. حزب با بسیج توده ها و سازماندهی و رهبری مبارزات آنان، این مبارزات را منظم و آگاهانه می سازد و به سوی فتح و پیروزی سوق می دهد. بدون رهبری حزب انقلابی مجهز به علم انقلاب پرولتری و قادر به درک فراز و نشیب های مسیر مبارزات انقلابی و عبور از آنها، توده ها شکست می خورند. اجرای این وظیفه نیز یکی از اشکال مهم پیوند حزب با توده ها است.

وظایف و پیوند های توده یی حزب، مرتبط و همبسته با هم هستند و متقابلاً بالای همدیگر تأثیر می گزارند. بدون اجرا و ایجاد آنها، یا حزب به فرقه ای فرو رفته در خود مبدل می گردد و یا به دنباله روی از توده ها می پردازد. فقط با اجرا و ایجاد این وظایف و پیوند ها، ساختمان، تحکیم و گسترش حزب در میان توده ها موفقانه و به طور مستمر پیش می رود.

مشی توده یی به مفهوم برخورد یکسان با تمامی بخش های توده ها نیست. توده ها بطور کلی از سه قسمت تشکیل می شوند: بخش پیشرو، بخش میانه و بخش عقب مانده. حزب،

بخش پیشرو را تحت رهبری خود متحد می سازد، با تکیه بر این بخش، سطح آگاهی بخش میانه را بالا می برد و به سوی خود جلب می نماید و سعی می کند که بخش عقب مانده را به دنبال خود بکشاند و یا لا اقل خنثی سازد.

«رهبران باید با مهارت عناصر قلیل فعال را بگرد رهبری متحد گردانند و با تکیه به آنها سطح آگاهی سیاسی عناصر میانه را بالا برند و عناصر عقب مانده را بسوی خود جلب نمایند.»

حزب کمو نیست (مائوئیست) افغانستان، جنگ خلق را شکل عمده مبارزه توده یی و ارتش انقلابی را شکل عمده تشکیلات توده یی در کشور می داند و سایر اشکال مبارزات توده یی و تشکلات توده یی را در خدمت به تدارک و پیشبرد این مبارزه و ایجاد و تکامل این تشکل دامن می زند. مبارزه انقلابی در کل و شکل مشخص کنونی آن یعنی مقاومت ملی مردمی و انقلابی بطور خاص، مبارزه و مقاومت همه جانبه ای است که بر محوریت تدارک، برپایی و پیشبرد جنگ خلق، که شکل مشخص کنونی آن جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی است، پیش برده می شود.

بنابراین مبارزه برای پیشبرد و تکامل اشکال غیر عمده ولی مهم مبارزات توده یی و مبارزه برای ایجاد و تکامل تشکلات غیر عمده ولی مهم توده یی، نیز بخشی از مشی توده یی حزب است. بی توجهی و کم توجهی به این مبارزات، کل مشی توده یی حزب را خدشه دار می سازد.

فصل دوم

آئین نامهٔ تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

اصول تشکیلاتی:

سانترالیزم دموکراتیک:

مادهٔ اول: اصل اساسی تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سانترالیزم دموکراتیک است که در آن سانترالیزم عمده است. این اصل شامل موازین ذیل می باشد:

الف: تمام فعالیت های حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در کلیه سطوح، طبق الزامات مورد نیاز برای تدارک، بر پایی و پیشبرد جنگ خلق که شکل مشخص کنونی آن جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی در کشور است، تحت رهبری متمرکز حزبی صورت می گیرد.

ب: هیئت های رهبری حزب در کلیه سطوح از طرق دموکراتیک و برای دوره های معین انتخاب می شوند.

ج: کل حزب باید اصول انضباطی واحدی را رعایت نمایند که عبارت اند از:

۱. تبعیت فرد از تشکیلات

۲. تبعیت اقلیت از اکثریت

۳. تبعیت سطوح پائین تر از سطوح بالاتر

۴. تبعیت کل حزب از کمیته مرکزی.

د: رهبری جمعی و مسئولیت فردی در تمامی سطوح هیئت های رهبری و بدنه تشکیلاتی حزب.

ه: اعضای حزب در تمامی سطوح و همچنان داوطلبان عضویت در حزب باید گزارشات شان را به مسئولین یا هیئت های رهبری سطح مربوطه ارائه نمایند و رهنمودهای مبتنی بر گزارشات مذکور را بکار بندند. هیئت های رهبری حزب در تمامی سطوح باید گزارشات شان را به کنگره ها یا جلسات عمومی اعضاء ارائه نمایند و رهنمودهای مبتنی بر گزارشات مذکور را بکار بندند.

و: نظارت اعضای حزب و داوطلبان عضویت بر هیئت های رهبری حزب در تمامی سطوح. هیئت های رهبری حزب باید به نظرات و

پیشنهادهای اعضای حزب و داوطلبان عضویت گوش دهند و نظرات و پیشنهادات درست آنها را بپذیرند.

انتقاد و انتقاد از خود

ماده دوم: اجرای جدی و پیگیر اصل انتقاد و انتقاد از خود در کل بدنه تشکیلاتی و در تمامی سطوح رهبری حزب جهت شناسایی کمبودات و اشتباهات اعضاء و سازمان های حزب و رفع آنها یک امر حیاتی است. اصل انتقاد و انتقاد از خود مبین انتقاد از خود و

انتقاد از دیگران است. غرض تطبیق این اصل، حزب مقررات ذیل را در مناسبات تشکیلاتی خود پذیرفته است:

الف: اعضای حزب و داوطلبان عضویت می توانند داوطلبان عضویت، اعضاء، واحد های تشکیلاتی و هیئت های رهبری حزب در تمامی سطوح را مورد انتقاد قرار دهند و پیشنهادات شان را در مورد آنها ارائه نمایند.

ب: جلوگیری از طرح انتقاد به هیچوجه مجاز نمی باشد.

ج: برخورد انتقام جویانه در مقابل انتقاد به هیچ صورتی جایز شمرده نمی شود.

د: انتقاد باید از مجاری تشکیلاتی و در وقت لازمه مطرح گردد و در جلسات تشکیلاتی مورد رسیدگی قرار بگیرد.

هـ: انتقاد باید بخاطر تصحیح مطرح شود و نباید به مثابه حربه ای جهت لکه دار کردن طرف انتقاد شونده مورد استفاده قرار بگیرد.

و: انتقاداتی که مورد رسیدگی قرار گرفته باشند، لازم نیست مجدداً مطرح گردند.

ز: داوطلبان عضویت، اعضاء، واحد های تشکیلاتی و هیئت های رهبری در کلیه سطوح، باید کمبودات و اشتباهات شان را پیوسته نشانی نموده و مورد انتقاد قرار بدهند و در جهت رفع آنها بکوشند.

ح: داوطلبان عضویت، اعضاء، واحد های تشکیلاتی و هیئت های رهبری در تمامی سطوح باید انتقادات درست بر خود را با شجاعت بپذیرند و در جهت رفع آنها تلاش نمایند.

مجاز نبودن فراکسیونیسم:

ماده سوم: حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

ممثل وحدت اراده و وحدت عمل پرولتاریا در افغانستان است، لذا تعدد مراکز و فراکسیونیزم در آن به هیچ صورتی مجاز نمی‌باشد.

مبارزه دو خط در درون حزب:

ماده چهارم: داوطلبان عضویت، اعضاء، واحدهای تشکیلاتی و هیئت‌های رهبری حزبی در کلیه سطوح حق و وظیفه دارند که فعالانه به مبارزه دو خط دست بزنند. غرض اجرای این سیاست، حزب وظایف و حقوق ذیل را برای هیئت‌های رهبری در کلیه سطوح، واحد‌های تشکیلاتی، اعضاء و داوطلبان عضویت در نظر گرفته است:

الف: داوطلبان عضویت، اعضاء، واحد‌های تشکیلاتی و هیئت‌های رهبری حزبی در کلیه سطوح، وظیفه دارند علیه نظرات، مشی‌ها و پلان‌های ضد پرولتری‌ای که در درون حزب تبارز نمایند، مبارزات فعال ایدیولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی را پیش ببرند.

ب: اقلیت در هر سازمان حزبی حق دارد نظراتش را به نهاد حزبی عالی‌تر به صورت شفاهی یا کتبی انتقال دهد. نهاد حزبی عالی‌تر باید نظرات متذکره را مطالعه نموده به جواب آن بپردازد و در صورت لزوم آنرا معاً تقریظ نامه خود میان اعضاء واحد مربوطه توزیع نماید و یا در صورت توافق کمیته مرکزی غرض نشر به نشریه درونی مرکزی یا نشریه درونی منطقه‌یی مربوطه بسپارد.

ج: اگر حلقه حزبی با کمیته محلی، کمیته محلی با کمیته منطقه‌یی یا کمیته منطقه‌یی با کمیته مرکزی در مورد راه حل مشکلات موجود و چشم انداز عمومی آنها اختلاف پیدا نماید، هیئت رهبری پایین‌تر می‌تواند برگزاری جلسات بحثی کاملی را با هیئت رهبری بالا تر برای حل اختلافات تقاضا نماید. در صورتی که مسایل مورد اختلاف حل و فصل نگردد، هیئت رهبری پایین‌تر باید طبق فیصله هیئت رهبری بالاتر عمل نماید، ولی حق دارد نظراتش را حفظ نموده و به هیئت رهبری بالا تر بعدی حزب انتقال دهد. در صورتی که بازهم اختلاف حل و فصل نگردد، کمیته مرکزی باید اجازه دهد که مسایل

مورد بحث در نشریه درونی منطقه یی و یا در نشریه درونی مرکزی حزب انعکاس داده شود.

مخفی کاری:

ماده پنجم: مخفی کاری یک اصل جدی تشکیلاتی حزبی محسوب می گردد و رعایت جدی آن بخاطر حفظ موجودیت حزب و پایداری و تداوم مبارزاتی حزب، در انطباق با شرایط مراحل مختلف تکامل مبارزاتی حزب، لازمی است. در شرایط کنونی که حزب در مرحله مبارزات تدارکی برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق قرار دارد، اصل مخفیکاری باید شدیداً رعایت گردد. در عین حال مخفی کاری به عنوان یک اصل مبارزاتی نمی تواند توجیه کننده محافظه کاری و پاسیفیزم باشد. این اصل تشکیلاتی شامل موازین ذیل است:

الف: ایجاد استخوان بندی تشکیلاتی حزب بصورت مخفی از دشمنان انقلاب و مبارزه برای پنهان نگه داشتن آن از عوامل دشمنان انقلاب، طبق شرایط مشخص مراحل مختلف تکامل مبارزاتی حزب.

ب: رعایت جدی سلسله مراتب تشکیلاتی حزب و اجتناب از رابطه گیری های افقی در تشکیلات حزب.

ج: رعایت جدی سلسله مراتب گزارشدهی حزبی و اجتناب از انتقال گزارشدهی های غیر لازم به سطوح پایین سلسله مراتب تشکیلاتی حزب.

د: حفظ دقیق و شجاعانه اسرار حزب تحت هرگونه شرایط.

هـ: اجتناب دقیق از افشای غیر ضروری هویت و موقعیت تشکیلاتی اعضای حزب در میان اعضا، داوطلبان عضویت و هواداران حزب.

و: اجتناب دقیق هر عضو حزب از افشای غیرضروری هویت و موقعیت تشکیلاتی خود در میان اعضا، داوطلبان عضویت و هواداران حزب.

مخفی کاری به مفهوم مخفی نگه داشتن موجودیت، ایدئولوژی، برنامه سیاسی و استراتژی مبارزاتی حزب در جامعه نیست، بلکه یک اصل امنیتی برای جلوگیری از وارد آمدن ضربات تشکیلاتی بر حزب از جانب دشمنان انقلاب است.

ساختمان تشکیلات:

کنگره سراسری:

ماده ششم: کنگره سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان عالی ترین مرجع تشکیلاتی حزب است که در هر پنج سال یکبار به دعوت کمیته مرکزی بر گزار می گردد. کنگره سراسری می تواند در اثر پیشنهاد دو ثلث مجموع اعضاء حزب و یا تصمیم دو ثلث اعضاء کمیته مرکزی دیر تر از موقع معینه بر گزار گردد.

ماده هفتم: صلاحیت ها و وظایف کنگره سراسری حزب قرار ذیل اند:

الف: گزارش سیاسی کمیته مرکزی را استماع نموده و آنرا مورد بررسی قرار می دهد.

ب: مسوده های اساسنامه حزب و ضمایم آنرا تصویب و یا اصلاح مینماید.

ج: رهنمود های اساسی مربوط به خط مشی سیاسی حزب را معین می نماید.

د: اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی را از طریق رای گیری سری انتخاب می نماید.

ماده هشتم: شرکت کنندگان در کنگره سراسری حزب عبارت اند از:

الف: اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی.

ب: نمایندگان منتخب واحد های تشکیلاتی.

ج: در صورت لزوم عضو یا اعضای از حزب با رأی مشورتی.

د: نماینده یا نمایندگان تشکیلات بین المللی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی - در صورت موجودیت - و در صورت لزوم نماینده یا نمایندگانی از احزاب و سازمان های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست سایر کشورها با رأی مشورتی.

ماده نهم: ضوابط انتخاب و نسبت نمایندگان برای کنگره سراسری حزب قبل از هر کنگره توسط کمیته مرکزی تعیین و به مراجع مربوطه ابلاغ می گردد.

ماده دهم: کنگره سراسری در صورتی می تواند دائر گردد که اکثریت شرکت کنندگان دارای رأی در جلسه کنگره حضور داشته باشند.

ماده یازدهم: کنگره فوق العاده در اثر تقاضای دو ثلث مجموع اعضاء حزب و یا تصمیم دو ثلث اعضاء کمیته مرکزی می تواند دائر گردد.

کمیته مرکزی:

ماده دوازدهم: کمیته مرکزی در فاصله بین دو کنگره سراسری عالی ترین مرجع تشکیلاتی حزب و رهبری کننده فعالیت های حزب در همه عرصه ها است و در مقابل کنگره سراسری حزب مسئول می باشد.

ماده سیزدهم: مهم ترین صلاحیت ها و وظایف کمیته مرکزی:

کمیته مرکزی:

الف: مسئول ارائه گزارش کار کنگره به تمامی بدنه حزب و مسئول اجرا و پیشبرد مصوبات کنگره است.

ب: سازمان های مختلف حزبی را رهبری، تنظیم و هماهنگ می نماید و همچنان سازمان های جدید حزبی به وجود می آورد.

ج: حزب را در رابطه با احزاب و نیروهای سیاسی دیگر افغانستان نمایندگی می کند.

د: مسئولیت انتشار ارگان نشراتی مرکزی، نشریه درونی مرکزی و سایر نشریات مرکزی حزب را بر عهده دارد.

ه: فعالیت های نظامی و فعالیت های تدارکی نظامی حزب را رهبری می کند.

و: مسایل مالی حزب را تنظیم، رهبری و کنترل می نماید.

ز: برای هدایت و رهبری مستمر حزب نهادهای لازم منجمله کمیته نظامی حزب را به وجود می آورد و اعضای آنرا تعیین می کند.

ح: مسئولیت حفظ وحدت حزب را بر عهده دارد. در صورتی که فعالیت های هیئت رهبری محلی و یا منطقوی معین حزبی شکل فراکسیونی اختیار نماید و مبارزات ایدئولوژیک — سیاسی علیه آن نتیجه مثبت ندهد، کمیته مرکزی می تواند هیئت رهبری مذکور را منحل نموده و تشکیلات محلی یا منطقوی را بازسازی نماید.

ط: می تواند عضویت دسته جمعی محافل و گروه ها را در حزب بپذیرد و آنها را در تشکیلات حزب ادغام نماید.

ی: مسئولیت برنامه ریزی و رهبری فعالیت های مبارزاتی حزب برای تشکیل انترناسیونال نوین کمونیستی و درین مسیر برنامه ریزی و رهبری فعالیت های مبارزاتی حزب برای ایجاد، استحکام و گسترش تشکیلات بین المللی مارکسیستی-لنینیستی-

مائوئیستی و همچنان پیشبرد روابط حزب با تشکیلات مذکور و احزاب و سازمان های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست سایر کشور ها را بر عهده دارد و چگونگی شرکت

حزب در کارزار های بین المللی و سائر فعالیت های مبارزاتی بین المللی حزب را تنظیم و رهبری می نماید.

ک: مسئولیت تنظیم و رهبری اقدامات مربوط به تشکیل کنگره سراسری حزب و ارائه گزارش سیاسی به کنگره را بر عهده دارد.

ل: مسئولیت دامن زدن به مبارزات دو خطی و رهبری این مبارزات در درون حزب و در سطح بین المللی را بر عهده دارد.

م: در صورت ضرورت می تواند عضو یا اعضای جدیدی برای کمیته مرکزی از میان اعضای علی البدل کمیته مرکزی تعیین نماید. در صورت ضرورت می تواند عضو یا اعضای علی البدل جدیدی برای کمیته مرکزی از میان کادرهای حزب تعیین نماید.

ن: مسئولیت تحلیل و تجزیه منظم گزارشات واحدهای منطقه یی حزب و برین مبنا ارائه رهنمودهای مورد نیاز به آنها را بر عهده دارد.

ماده چهاردهم: اولین پولینوم کمیته مرکزی بعد از کنگره، اعضای دفتر سیاسی و همچنان صدر کمیته مرکزی و معاون های صدر کمیته مرکزی را از میان اعضاء دفتر سیاسی انتخاب می نماید. سایر پولینوم های کمیته مرکزی سال یک بار توسط دفتر سیاسی کمیته مرکزی دعوت می شود. این پولینوم ها می توانند در صورت ضرورت برای انتخاب مجدد دفتر سیاسی کمیته مرکزی، صدر کمیته مرکزی و معاون های صدر کمیته مرکزی اقدام نمایند.

ماده پانزدهم: پولینوم های فوق العاده کمیته مرکزی می توانند بنا به دعوت دفتر سیاسی دائر گردند.

ماده شانزدهم: در فاصله بین دو پولینوم کمیته مرکزی، دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب به عنوان هسته رهبری کننده دائماً فعال حزبی، وظایف کمیته مرکزی — به استثنای

تعیین اعضا یا اعضای علی البدل جدیدی برای کمیته مرکزی از میان کادر های حزب —
را بر عهده داشته و قدرت آنرا اعمال می نماید.

دفتر سیاسی کمیته مرکزی مسئولیت ارائه گزارشات منظم به پولینوم های کمیته
مرکزی را بر عهده دارد.

اقدامات و اجراءات دفتر سیاسی کمیته مرکزی باید تائید پولینوم های کمیته مرکزی را
حاصل نماید.

واحدهای تشکیلاتی منطقه یی:

ماده هفدهم: واحدهای تشکیلاتی منطقه یی حزب، نظر به ضرورت های مبارزاتی و
ایجابات کار تشکیلاتی حزبی، در مناطق مختلف تشکیل می گردند. هر واحد
تشکیلاتی منطقه یی تعدادی از واحدهای تشکیلاتی پایه یی حزبی را در بر می گیرد.

ماده هجدهم: اولین جلسه عمومی منطقه یی بعد از کنگره سراسری فرا خوانده می شود
تا منطق با فیصله ها و رهنمود های کنگره:

الف: رهنمود های مهم جهت رهبری فعالیت های حزب در منطقه و محلات مربوطه را
تعیین و تصویب نماید.

ب: فیصله های ضروری در مورد نشریه درونی منطقه یی به عمل آورد.

ج: کمیته منطقه یی را انتخاب کند.

د: فیصله ها و رهنمود های جلسه عمومی منطقه یی بعد از ارائه گزارشات آن جلسه به
کمیته مرکزی و تائید کمیته مرکزی رسمیت می یابد.

ه: سایر جلسات عمومی منطقه‌ی‌ی بعد از هر پولینوم کمیته‌ی مرکزی حزب دایر می‌گردد و می‌تواند در انطباق با فیصله‌های پولینوم‌های کمیته‌ی مرکزی حزب، ضمن اتخاذ سایر تصمیم‌مقتضی، در صورت ضرورت به انتخاب مجدد کمیته‌ی منطقه‌ی‌ی اقدام نماید.

ماده‌ی نوزدهم: کمیته‌ی منطقه‌ی‌ی در میان دو جلسه‌ی عمومی منطقه‌ی‌ی، فعالیت‌های حزب در منطقه، منجمله انتشار نشریه‌ی درونی منطقه‌ی‌ی، را تحت رهبری کمیته‌ی مرکزی حزب هدایت می‌نماید و مسئولیت دارد که گزارشات فعالیت‌های خود را بطور منظم به کمیته‌ی مرکزی ارائه نماید و رهنمودهای صادره‌ی مبتنی بر این گزارشات از سوی کمیته‌ی مرکزی را مورد اجرا قرار دهد.

منشی کمیته‌ی منطقه‌ی‌ی توسط کمیته‌ی منطقه‌ی‌ی تعیین می‌گردد.

واحدهای تشکیلاتی پایه‌ی‌ی:

ماده‌ی بیستم: واحدهای تشکیلاتی پایه‌ی‌ی حزب، نظر به ضرورت‌های مبارزاتی و ایجابات کار تشکیلاتی حزب، در محلات مختلف تشکیل می‌گردند. هر واحد تشکیلاتی پایه‌ی‌ی، تعدادی از هسته‌های حزبی را در بر می‌گیرد.

ماده‌ی بیست و یکم: اولین جلسه‌ی عمومی واحد پایه‌ی‌ی، بعد از کنگره‌ی سراسری و جلسه‌ی عمومی منطقه‌ی‌ی مربوطه فراخوانده می‌شود. این جلسه در انطباق با فیصله‌ها و رهنمودهای کنگره و جلسه‌ی عمومی منطقه‌ی‌ی وظیفه دارد که:

الف: رهنمودهای مهم جهت رهبری فعالیت‌های حزبی واحد پایه‌ی‌ی را تعیین و تصویب نماید.

ب: کمیته‌ی واحد پایه‌ی‌ی را انتخاب نماید.

ج: فیصله‌ها و رهنمودهای جلسه‌ی عمومی واحد پایه‌ی‌ی بعد از ارائه‌ی گزارشات آن به کمیته‌ی منطقه‌ی‌ی و تصویب توسط کمیته‌ی منطقه‌ی‌ی رسمیت می‌یابد.

د: سایر جلسات عمومی واحد پایه یی حزب، بعد از هر جلسه عمومی واحد منطقه یی حزب دایر می گردد و وظیفه دارد که در انطباق به فیصله های پولینوم های کمیته مرکزی و جلسات عمومی واحد های منطقه یی حزب، تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

ماده بیست و دوم: کمیته واحد پایه یی در فاصله میان دو جلسه عمومی واحد پایه یی، تحت رهبری کمیته منطقه یی و کمیته مرکزی، رهبری فعالیت های حزبی واحد پایه یی را بر عهده دارد و مسئولیت دارد که گزارشات خود را بطور منظم به کمیته منطقه یی و از آن طریق به کمیته مرکزی ارائه نماید و رهنمودهای صادره مبتنی بر این گزارشات از سوی کمیته منطقه یی و کمیته مرکزی را مورد اجرا قرار دهد .

منشی کمیته واحد پایه یی توسط کمیته مربوطه انتخاب می شود.

هسته های حزبی:

ماده بیست و سوم: هسته حزبی کوچکترین واحد تشکیلاتی حزب محسوب می گردد که حداقل سه عضو و داوطلب عضویت در حزب را در بر می گیرد و در دهات، کارخانجات، معادن، بنگاه ها، دفاتر، مؤسسات آموزشی و پرورشی، مغازه ها و سایر جاهای مختلف داخل کشور و در میان کارگران و پناهندگان خارج از کشور تشکیل می گردد.

هر عضو هسته حزبی مسئولیت دارد گزارشات خود را بطور منظم به جلسه هسته ارائه نماید و رهنمودهای جلسه هسته و رهنمودهای سطوح بالاتر رهبری حزبی را مورد اجرا قرار دهد.

هر هسته حزبی باید منشی خود را تعیین نماید. منشی هسته، مسئولیت رهبری هسته، مسئولیت آموزش اعضای هسته و مسئولیت گزارشدهی فعالیت های هسته به کمیته پایه یی و جلسه عمومی واحد پایه یی را بر عهده دارد و نماینده هسته در جلسه عمومی واحد پایه یی می باشد.

ماده بیست و چهارم: هواداران حزب در نقاط مربوطه باید تحت نظر اعضای هسته حزبی فعالیت نمایند.

ارگان نشراتی مرکزی، نشریه درونی مرکزی و سایر نشریه‌ها:

ماده بیست و پنجم: جریده "شعله جاوید" ارگان نشراتی مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپایی و پیشبرد جنگ خلق - که شکل مشخص کنونی آن جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی است - قرار دارد.

کمیته مرکزی نشریه درونی "کمونیست" را غرض پیشبرد مباحثات ایدئولوژیک - سیاسی در درون حزب، پیشبرد مبارزه دو خط و تقویت و تکامل ایدئولوژیک - سیاسی اعضای حزب، منتشر می نماید.

کمیته مرکزی در صورت ضرورت می تواند انتشار نشریه یا نشریه‌های دیگر و همچنان جزوات و رسالات را رویدست بگیرد.

تمامی نشریه‌ها باید جهت تبلیغ و ترویج و پیشبرد خط ایدئولوژیک - سیاسی حزب و مشخصاً خط اساسنامه حزب کار نمایند.

درفش:

ماده بیست و ششم: درفش حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، درفش سرخی است با عرض و طول دارای تناسب دو در سه و یک ستاره طلایی در قسمت یک چهارم سمت چپ طرف بالای آن قرار دارد.

عضویت:

اعضای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باید زندگی شان را وقف مبارزه برای نیل به کمونیزم نموده و ثابت قدم باشند، از قربانی نهراسند و علیه هر مشکلی در راه کسب پیروزی با قاطعیت مبارزه نمایند.

ماده بیست و هفتم: هر کارگر، دهقان بی زمین، دهقان فقیر یا هر عنصر انقلابی دیگر که اساسنامه حزب را بپذیرد، به یکی از سازمان‌های حزب بپیوندد و در آن فعالانه کار نماید، تصمیمات حزبی را اجراء نماید، انضباط حزبی را رعایت کند، در جلسات حزبی منظم شرکت نماید و به صورت منظم حق العضویت بپردازد، می‌تواند عضویت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را حاصل نماید.

حزب به عضوگیری از میان زنان و مردان طبقات زحمتکش تأکید ویژه می‌گذارد.

ماده بیست و هشتم: داوطلبان عضویت در حزب باید شخصاً مراحل پذیرش عضویت را طی نمایند. داوطلب عضویت باید توسط دو عضو حزب معرفی شود. سازمان حزبی مربوطه می‌تواند درخواست را در صورت تصویب آن توسط کمیته منطقه‌یی بپذیرد و فرد درخواست دهنده را به صورت داوطلب عضویت در حزب قبول کند و او را برای فعالیت به یکی از حلقه‌های حزبی راهنمایی و معرفی نماید.

ماده بیست و نهم: دوره داوطلبی عضویت عموماً مدت شش ماه می‌باشد. برای افرادی که دارای منشأ طبقاتی غیر از طبقات کارگر، دهقان بی زمین و دهقان فقیر می‌باشند، این دوره باید تا حدی که توسط کمیته منطقه‌یی تعیین می‌گردد، تمدید یابد. در این دوره داوطلب عضویت باید جهت اجرای مسئولیت‌های ویژه گماشته شود و مورد آزمایشات متعدد — در صورت لزوم و امکان آزمایشات نظامی — قرار بگیرد. موقعی که این دوره با موفقیت به پایان رسید، داوطلب عضویت می‌تواند توسط واحد پایه‌یی حزبی مربوطه با موافقه کمیته منطقه‌یی به عضویت کامل حزب در آید.

داوطلبان عضویت حقوق و وظایفی مانند اعضای اصلی حزب دارند، اما حق رأی دهی و انتخاب شدن و انتخاب کردن در هیئت‌های رهبری را نداشته و از حق ضمانت برای معرفی داوطلبان عضویت بهره‌مند نمی‌باشند.

افراد متعلق به طبقات استثمارگر (فیودال ها و بورژواها) نمی توانند به عضویت حزب در آیند. این افراد فقط در صورتی می توانند داوطلب عضویت به حزب شوند که:

اول - از موقعیت طبقاتی شان گسست کامل نمایند.

دوم - تمام دارائی شان را به حزب بسپارند.

تنها پس از مشاهدات دقیق پیشرفت آنها در کارها و فعالیت های مبارزاتی و موافقت کمیته مرکزی، اینگونه افراد می توانند عضویت حزب را حاصل نمایند.

ماده سی ام: اعضای حزب شامل اعضای تمام وقت و نیمه وقت می باشند. اعضای تمام وقت حزب عهده دار پرداخت حق العضویت نیستند، در حالیکه تمامی اعضای نیمه وقت حزب باید حداقل ۱۰٪ از عواید ماهوار خود را بطور منظم به عنوان حق العضویت به حزب بپردازند. علاوه بر رقاباتی که عواید نسبتاً بالایی دارند، تشویق می شوند که علاوه از پرداخت حق العضویت، کمک های مالی اضافی نیز به حزب برسانند.

ماده سی و یکم: هر عضو حزب باید آماده باشد که در صورت دعوت حزب از وی بصورت انقلابی حرفه یی در آید.

ماده سی و دوم: اعضای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باید:

الف: با جدیت مطالعه نمایند، مارکسیزم — لنینیسم — مائوئیسم را به کار بندند و از آن دفاع نمایند، آگاهی کمونیستی خود را مداوماً ارتقاء بخشند و در مقابل فراز و نشیب راه انقلاب استوار و مقاوم باشند.

ب: علیه اشکال مختلف رویزیونیسم، دگماتیسم، امپریزم، اپورتونیسم، شوونیسم و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی مبارزه نمایند.

ج: جرئتمندانه و با ثبات قدم زحمتکشان کشور و جهان را خدمت نمایند، با خستگی ناپذیری غرض متشکل ساختن آنها به دور مرام انقلاب کار نمایند و همیشه در پیشاپیش مبارزات مردم قرار داشته باشند.

د: نظرات شانرا با صراحت مطرح نمایند و شیوه انتقاد از خود و انتقاد از دیگران را بخاطر رشد و استحکام کیفیت انقلابی خود شان، رفقای شان و مجموع حزب دلیرانه بکار بندند.

ه: کیفیت تیوریک و عملی خلاق خط حزب را از طریق افزایش پیوسته سطح آگاهی و ابتکارات سیاسی شان انکشاف دهند و آگاهانه علیه سبک کارمیکانیکی و فاقد شور و شوق که اعضای حزب را خود بخود فاسد می سازد، مبارزه نمایند.

و: منافع شخصی شان را تابع مقتضیات امر انقلاب سازند.

ز: اسرار حزب را تحت هرگونه شرایطی حفظ نمایند.

ح: در حفظ اسناد و اموال حزب پیوسته تلاش کنند.

ط: قادر باشند با اکثریت رفقای شان حتی موقعیکه آنان به غلط مواضع مخالف شان را داشته باشند متحد شوند، ولی خالصانه و صادقانه در صدد اصلاح اشتباهات آنان باشند. لیکن لازم است هوشیاری خاص علیه کرریست ها، دسیسه بازان و دو رویان داشته باشند تا از نفوذ همچو عناصر نا بکار در داخل حزب و غصب رهبری در سطوح مختلف توسط آنها جلو گیری به عمل آورند.

ی: آماده باشند که در صورت دستور حزب در مبارزات مسلحانه و فعالیت های نظامی ای که از طرف حزب رویدست گرفته شود، شرکت نمایند. آنها باید از هر جهت در تدارک و پیشبرد جنگ خلق و شکل مشخص کنونی آن یعنی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی نمونه باشند و در خطوط مقدم مقاومت قرار داشته باشند.

ک: دفاع از حیثیت رهبری حزب در مقابله با دشمنان را جدا در نظر داشته باشند و حرمت درفش حزب را پاسداری کنند.

ل: گزارشات شان را به صورت منظم از مجراهای تشکیلاتی به حزب ارائه نمایند.

مادهٔ سی و سوم: تمام اعضای حزب و متقاضیان عضویت از حقوق ذیل برخوردار اند:

الف: شرکت در مذاکرات و مباحثات مربوط به تمامی موضوعاتی که در جلسهٔ واحد حزبی مربوطهٔ شان مطرح می شود، تصریح نقطه نظرات و ارائهٔ پیشنهادات، انتقادات و طرحات در مورد هر موضوعی در جلسه واحد حزبی مربوطه.

ب: شرکت در هر مذاکره ای که در آن راجع به چگونگی رفتار و حرکات شان فیصله ای صادر می نماید، به استثنای حالاتی که دلایل معینی مبتنی بر مشکوکیت در مورد شان مطرح باشد.

ج: اعلام اعتراض علیه اقدامات انضباطی ای که علیه شان اتخاذ می گردد، به هیئت رهبری بالا تر تا سطح کمیتهٔ مرکزی.

مادهٔ سی و چهارم: عوامل دشمن، مرتدین اصلاح ناپذیر، عناصر منحط، افراد دارای روحیه و اخلاقیات سست و ضعیف، اشخاص مطلقاً غیر قابل اصلاح و عوامل طبقاتی بیگانه نباید اجازه یابند به حزب داخل گردند. در صورتی که چنین عناصری در حزب رخنه نموده باشند، باید از حزب تصفیه گردند.

اقدامات تشویقی و اقدامات انضباطی:

مادهٔ سی و پنجم: فعالیت های مبارزاتی ابتکاری و جانبازانه نمونه وار اعضای حزب، از طرف کمیتهٔ مرکزی حزب، مورد تشویق، تمجید و تقدیر قرار می گیرد.

ماده سی و ششم: در صورتی که اعضای حزب اساسنامه حزب را نقض نمایند یا منافع حزب را به مخاطره بیندازند و یا وظایف شان را اجرا نکنند و مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی در مورد شان بی نتیجه بماند، اقدامات انضباطی ذیل در مورد شان اعمال می گردد: اخطار، اخطار جدی، تنزیل مسئولیت حزبی، تعلیق و اخراج از حزب.

ماده سی و هفتم: هرگاه عضو حزب سه بار بصورت پیهیم حق العضویت ماهانه اش را نپردازد یا سه بار بصورت پیهیم، بدون عذر معقول در جلسات حزبی شرکت نکند، مشمول اقدامات انضباطی می گردد.

ماده سی و هشتم: اخطار، اخطار جدی و تنزیل مسئولیت حزبی عضو تشکیلات پایه پی از صلاحیت های کمیته پایه پی مربوطه است.

ماده سی و نهم: اعمال اقدامات انضباطی تا حد تعلیق عضویت و اخراج عضو بدنه تشکیلات منطقه پی از حزب از صلاحیت های کمیته منطقه پی مربوطه است. اخراج عضو کمیته منطقه پی از حزب باید به تصویب دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب برسد.

ماده چهلیم: در مورد اخراج دسته جمعی افراد از حزب، تصمیم نهائی بر عهده پولینوم کمیته مرکزی است.

ماده چهل و یکم: تنزیل مسئولیت های حزبی اعضای کمیته مرکزی و اعضای علی البدل کمیته مرکزی تا حد تعلیق عضویت شان از کمیته مرکزی، از صلاحیت های دفتر سیاسی است. اخراج اعضای کمیته مرکزی و اعضای علی البدل کمیته مرکزی از کمیته مرکزی، از صلاحیت های پولینوم کمیته مرکزی است.

ماده چهل و دوم: تعلیق و اخراج عضو کمیته مرکزی و عضو علی البدل کمیته مرکزی از حزب از صلاحیت های پولینوم کمیته مرکزی است.

مادهٔ چهل و سوم: دوره ای که عضو حزب در حالت تعلیق قرار داده می‌شود نباید بیشتر از یکسال باشد. بر اساس برخوردهای عضو تعلیقی در این دوره، وی یا موقعیتش را مجدداً در حزب به دست می‌آورد و یا از حزب اخراج می‌گردد. کمیتهٔ ویژه در دوره تعلیق، وی را به اجرای مسئولیت‌های خاص می‌گمارد و برایش فرصت شرکت در فعالیت‌های مبارزاتی و فرصت تصحیح خودش را می‌دهد.

مادهٔ چهل و چهارم: عضوی که روحیهٔ انقلابی‌اش را از دست داده باشد و علیرغم کوشش حزب برای تجدید تربیتش، بی‌روحی‌اش را حفظ نماید، باید به خروج از حزب ترغیب گردد.

مادهٔ چهل و پنجم: وقتی که عضو حزب از عضویت حزب استعفا می‌دهد، هیئت رهبری واحد حزبی مربوطه می‌تواند تقاضای استعفا را بپذیرد و مکلف است گزارش آنرا فوراً به هیئت رهبری عالی‌تر حزبی ارائه نماید. فرد مستعفی مکلف است که:

الف: تمامی اسناد و اموال حزب و روابط حزبی‌اش را به واحد حزبی مربوطه تسلیم نماید.
ب: تعهد بسپارد که اسرار حزب را افشا نخواهد کرد.

مادهٔ چهل و ششم: کمیتهٔ مرکزی باید یک کمیسیون مرکزی غرض رسیدگی به شکایات علیه مقررات انضباطی اتخاذ شده در مورد اعضای حزب، تعیین نماید.

مادهٔ چهل و هفتم: در مورد خائنین و جواسیس تثبیت شده، اقدامات بالاتر از اخراج نیز می‌تواند مورد اجرا قرار بگیرد.